

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٠٥٠٤٦



دانشگاه مازندران
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

موضوع پایان نامه

اهلیت شرکتهای تجاری در حقوق ایران و تطبیق آن با حقوق انگلیس

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

استاد راهنما
دکتر فخرالدین اصغری آقمشهدی

استاد مشاور
دکتر سام محمدی

دانشجو
اباست پورمحمد

کتابخانه دانشگاه مازندران
شماره ثبت کتاب: ۱۳۸۶/۱۱/۱

شهریور ماه ۱۳۸۶

۱۳۸۶ / ۱۱ / ۱

۱۰۵۰۴۶

با سپاس از زحمات و راهنماییهای

استاد بزرگوار

دکتر فخرالدین اصغری قمی

تقدیم

بہ روح پاک خواہرزادہ عزیزتر از جانم

سیدہ مرتضیٰ سلیمی

چکیده:

بحث از اهلیت از دیرباز در مباحث حقوق خصوصی بویژه حقوق قراردادهای و تعهدات مورد توجه بوده است، زیرا انجام دادن هر عمل حقوقی منوط بوجود اهلیت در مفهوم عام خود به معنای دارا بودن حقوق و تکالیف و توانایی اجرای آن حقوق و تکالیف است، اگرچه خاصاً در حوزه مدنی و در خصوص اشخاص حقیقی به کار رفته است، کاربرد آن در حوزه حقوق اداری و حقوق تجارت و در خصوص اشخاص حقوقی نیز چندان بیگانه نیست، زیرا این اشخاص نیز همانند انسانها می توانند طرف حق و تکلیف واقع شوند. از این رو بحث از اهلیت اشخاص حقوقی و صلاحیت آنان نیز در نظامهای مختلف حقوقی از سالها قبل مورد توجه بوده است.

در حقوق انگلیس نظریه خارج از حدود اختیارات قانونی بعنوان نظریه محدود کننده اهلیت اشخاص حقوقی در ذیل مبحث اهلیت این اشخاص مطرح شده است. در حقوق ایران تاکنون این بحث بطور مستقل مطرح نشده است اگر چه در برخی از مواد قانون تجارت به موضوع اهلیت اشخاص حقوقی صراحتاً یا بطور ضمنی اشاره شده است.

خصوصیات و ویژگیهای اشخاص حقوقی از جمله شرکت های تجاری باعث شده است اهلیت این اشخاص از جهات مختلف با اهلیت اشخاص حقیقی متفاوت باشد. تجزیه و تحلیل این خصوصیات و ویژگیها که تاکنون کمتر مورد توجه محققان بوده موضوع این تحقیق است.

بنابراین در این تحقیق سعی شده است ضمن بررسی زمان آغاز شخصیت حقوقی شرکت ها، وضعیت معاملات خارج از موضوعات شرکت را در حقوق ایران و انگلیس مشخص کرده و سعی کنیم به این سوال پاسخ دهیم که آیا شرکت می تواند موضوع خود را را به صورت عام مشخص کند یا نه؟

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	چکیده فارسی
	مقدمه
۶	فصل اول : کلیات
۷	بخش اول : مفهوم اهلیت
۹	مبحث اول : رابطه اهلیت با شخصیت
۱۰	مبحث دوم : رابطه اهلیت و اختیار
۱۲	بخش دوم : شرکت های تجاری دارای شخصیت حقوقی
۱۴	بخش سوم : زمان ایجاد شخصیت حقوقی اشخاص حقوقی تجاری
۱۵	مبحث اول : تشکیل عملی شرکت تجاری به عنوان معیار ایجاد شخصیت حقوقی
۱۹	مبحث دوم : ثبت شرکت تجاری به عنوان ملاک ایجاد شخصیت حقوقی
۲۵	بخش چهارم : نتایج شخصیت حقوقی شرکت
۲۷	بخش پنجم : انواع شرکت های تجاری
۳۲	مبحث اول : شرکت های محدود به ضمانت، محدود به سهام و نامحدود
۳۳	گفتار اول: شرکت محدود به ضمانت
۳۶	گفتار دوم: شرکت نامحدود
۳۹	مبحث دوم : شرکت های عام و خاص

۴۳

فصل دوم : اهلیت شرکت های تجاری در حقوق ایران

۴۵

بخش اول : موضوع شرکت

۴۷

بخش دوم : تعیین موضوع شرکت به صورت عام

۵۱

بخش سوم : تغییر موضوع شرکت

۵۳

بخش چهارم : تاثیر موضوع شرکت بر روی معاملات

۶۴

بخش پنجم : تجاری بودن موضوع شرکت

۶۸

بخش ششم : وضعیت معاملات خارج از اهداف شرکت

۷۰

فصل سوم : اهلیت شرکت های تجاری در حقوق انگلیسی

۷۰

بخش یک : نحوه تشکیل شرکتهای تجاری در انگلیس

۷۲

بخش دوم : نظریه خارج از حدود اختیارات قانونی

۷۳

مبحث اول : تاریخچه نظریه خارج از حدود اختیارات قانونی

۷۴

مبحث دوم : اهداف نظریه خارج از حدود اختیارات قانونی

۷۶

مبحث سوم : مشکلات اعمال نظریه خارج از حدود اختیارات قانونی

۷۷

مبحث چهارم : اصلاح قانون شرکتهای

۷۸

گفتار اول : اصلاحات قانون شرکت ها (مصوب ۱۹۸۵)

۸۰

گفتار دوم : اصلاحات قانون شرکت ها (مصوب ۱۹۸۹)

۸۳

مبحث پنجم : طرز تعیین عمل خارج از حدود اختیارات قانونی

۸۴

بخش سوم : شکل و تغییر شرط اهداف

۸۷

مبحث اول : تاثیر شرط اهداف بر روی معاملات شرکت

۹۳	بخش چهارم: اختیارات واهداف
۹۶	مبحث اول: اطلاع اشخاص ثالث از خارج بودن معامله از موضوعات شرکت
۱۰۱	مبحث دوم: قرار داد شرکت
۱۰۸	مبحث سوم: پیش بینی بعضی حقوق برای اشخاص ثالث در شرکتنامه
۱۱۵	نتیجه و پیشنهادات
۱۲۱	فهرست منابع
	چکیده انگلیسی

تعریف مسئله و بیان سؤالات اصلی تحقیق

هدف گذشتن از تنگناهای اقتصادی در هر زمان اقتضا دارد برای گسترش صنعت و تجارت، ساختار جدیدی طراحی شود. برای نیل به این هدف تجهیز نیروهای معنوی و فکری و عملی و تجربی ضروری است. تا از به هم پیوستن سرمایه های پراکنده، اعم از خرد و کلان، برای خیزش صنعتی و تجاری، ذخایر و منابع لازم و کافی فراهم آید که نتیجه آن، اشتغال زایی در اثر به گردش در آمدن چرخه های اقتصادی و توزیع منطقی در آمدها است و منجر به تامین عدالت اجتماعی می شود. همین اهداف از اسباب بنیانی تأسیس شرکت های تجاری است که با تمرکز سرمایه ها و به کار انداختن آن ها در مسیر صحیح و مشروع و با اندیشیدن به جنبه های فرهنگی و پیاده کردن اصول فنی تولیدات مرغوب و صدور استحصالات مطلوب و برنامه ریزی برای ارزآوری، نقش سازنده در اقتصاد کشور دارند.

شرکت های تجاری برای رسیدن به تعالی و رشد پویا، نیازمند عوامل زیر بنایی زیاد هستند. یکی از این عوامل مهم، تشخیص حدود و گستره اهلیت شرکتهای تجاری است. تشخیص حدود اهلیت شرکت های تجاری از این نظر حایز اهمیت است که حدود حقوق و تکالیف شرکت و اختیار ارکان آن (مجامع عمومی، هیأت مدیره ...) بستگی به اهلیت شرکت دارد. ازسوی دیگر، شفاف بودن هر چه بیشتر مرزهای اهلیت شرکتهای مذکور، موجب تشویق سرمایه گذاران به ایجاد اینگونه شرکت ها، حفظ و صیانت از حقوق فعالان عرصه تجارت و در نهایت سلامت اقتصاد جامعه خواهد بود.

قانونگذار از لحاظ انجام فعالیت ها و تصمیم گیری، شرکت های تجاری را محدود کرده است و به آنها اجازه داده است که تنها در چهار چوب قانون تجارت و اساسنامه فعالیت نمایند. در عمل، شرکت های تجاری ممکن است فعالیتی نمایند که از موضوعات شرکت ها خارج باشد یا ارکان شرکت تصمیماتی را اتخاذ نمایند که اختیار اتخاذ آنها را ندارند و ممکن است که در اساسنامه معین شود که شرکت برای انجام هر فعالیتی صلاحیت دارد. با توجه به اینکه در تنظیم اساسنامه، قانون محدودیت زیاد پیش بینی نکرده است، سوالات ذیل مطرح می شود:

۱- آیا شرکت می تواند موضوع فعالیتش را به صورت عام معین کند، به نحوی که برای انجام هر موضوعی صلاحیت داشته باشد؟

۲- در صورتیکه شرکت خارج از حدود موضوعات پیش بینی شده در شرکت نامه فعالیت کند، وضعیت حقوقی آن عمل انجام شده چیست؟

۳- اعمالی که توسط ارکان شرکت صورت می گیرد و خارج از حدود اختیارات آنهاست، آیا در مقابل اشخاص ثالث معتبر است؟

سابقه و ضرورت انجام تحقیق

قانون تجارت ایران مصوب ۱۳۱۱ و لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت (مصوب ۱۳۴۷)، قانون بسیار قدیمی است و باید با توجه به تحولات حقوق تجارت و نیز تغییرات عمیقی که در قوانین تجاری دنیا بعمل آمده، اصلاح شود. نیل به این هدف مهم در گروی مطالعه دقیق مباحث مختلف حقوق تجارت و انطباق آن با مسایل و نیازهای روز جامعه است. در این میان یکی از مباحث مهم و در خور توجه مسئله اهلیت شرکتهای تجاری است که

کمتر مورد توجه استادان حقوق و اهل فن قرار گرفته است. در کشورهای غربی خصوصاً انگلیس، تحولات گسترده ای از سالها پیش در خصوص اهلیت شرکتهای تجاری رخ داده و کتب و مقالات قابل توجهی در این زمینه تدوین گردیده است. در حقوق تجارت ایران ظاهراً کتاب یا تحقیق مستقلی در این خصوص تدوین نگردیده است. رویه قضایی ایران نیز هنوز مجال بررسی مباحث ظریف اهلیت شرکتهای تجاری را پیدا نکرده است.

مفسرین حقوق تجارت در کتابهای خود سطرهایی را به این موضوع اختصاص داده اند، که با توجه به اندک و مختصر بودن آن، ضرورت انجام تحقیق جامع در این زمینه احساس می شود. علاوه بر این، ضرورت انجام تحقیق از این جهت است که گسترش و رونق شرکتهای تجاری منوط به شناخت اهلیت آنها است. چنانچه شرکتهای تجاری اهلیت مطلق و کامل داشته باشند، مدیران و سایر ارکان شرکت که نمایندگان قانونی آن محسوب می شوند دارای اختیارات وسیعی بوده و می توانند بنام شرکت مبادرت به هر نوع معامله یا اقدامی بنایند، اما چنانچه محدودیتی برای اهلیت این نهاد اعتباری قایل شویم، بتبع آن اختیار ارگان آن نیز محدود خواهد بود.

فرضیه های تحقیق

با توجه به سوالات تحقیق، فرضیات به شرح زیر میباشد:

- ۱- شرکت می تواند موضوع شرکت را به صورت عام معین کند، به نحوی که برای انجام هر فعالیتی صلاحیت داشته باشد.

- ۲- در صورتیکه معامله ای خارج از موضوعات شرکت صورت گیرد و آن معامله لازمه انجام موضوعات اصلی شرکت بوده و برای تجارت شرکت مفید باشد، چنین معامله ای صحیح است.
- ۳- در صورتیکه ارکان شرکت از حدود اختیارات خود خارج شود و معامله ای را انجام دهند اگر آن معامله با حسن نیت و به نفع شرکت باشد، صحیح است.

اهداف پژوهش

بطور کلی اهداف کاربردی و نظری این تحقیق را در چند بند می توان خلاصه کرد :

- ۱- مسائلی که در بالا به آنها اشاره شد، از جمله مسائلی هستند که شرکتهای تجاری با آنها مواجه اند ولی در قانون تجارت ایران، برای آن مسائل، مباحث مستقل و راه حلهای صریح پیش بینی نشده است. در این پژوهش، سعی بر آن است که با دقت در قانون تجارت و استفاده از نظریات علمای حقوق، موضع قانون تجارت ایران در بر خورد با این مسائل تبیین شود.
- ۲- حقوق پویا وقتی بوجود می آید که سیستم های حقوقی مختلف از دستاوردهای همدیگر بهره مند شوند و در این پژوهش سعی می شود موضع حقوق انگلیس در ارتباط با مسائل مطرح شده مورد بررسی قرار گیرد تا شاید بتوانیم با این روش، برای مسائل مطروحه در حقوق تجارت ایران که قانون در مورد آنها ساکت است، راهکاری ارائه نماییم.

خلاصه مراحل و روش تحقیق

از آنجایی که استفاده از روش های میدانی و پیمایشی در انجام این پژوهش امکان پذیر نمی باشد ، پژوهشگر با استفاده از روش کتابخانه ای به جمع آوری اطلاعات از کتب ، مقالات ، آرای محاکم داخلی و خارجی و سایت های معتبر جهانی حقوق تجارت پرداخته و سپس به تجزیه و تحلیل مطالب جمع آوری شده می پردازد. با این توصیف روش تحقیق در این پایان نامه روش توصیفی - تحلیلی خواهد بود .

فصل اول : کلیات

در قانون مدنی واژه اهلیت برای دارا بودن حقوق در ماده ۹۵۶ و برای انجام عقود و معاملات در مواد ۱۹۰ و ۲۱۰ در رابطه با اشخاص حقیقی بکار رفته است اما در رابطه با اشخاص حقوقی از جمله شرکت های تجاری ، قانونگذار از استعمال واژه اهلیت خود داری و بجای آن از واژه « حقوق و تکالیف » یا « حقوق و وظایف » استفاده کرده است (ماده ۵۸۸ قانون تجارت^۱). با وجود این برخی از نویسندگان و مولفان حقوق مدنی و حقوق تجارت از عنوان « اهلیت » برای بیان حقوق و تکالیف اشخاص حقوقی استفاده کرده اند. به نظر می رسد حقوق و تکالیف در واقع همان اهلیت است و قانونگذار و نویسندگان برای بیان یک مفهوم از لغات متعدد استفاده کرده اند .

۱- سید علی شایگان، حقوق مدنی، ج ۱، تهران، انتشارات طه، ۱۳۷۵، ص ۲۰۴ و ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، ج دوم، چ ۴، تهران، شرکت انتشار، ۱۳۷۶، ص ۱۱.

بخش اول: تعریف اهلیت

«اهلیت» صلاحیتی است که شخص برای دارا شدن یا اجرای حق و تکلیف دارد. این

صلاحیت دارای دو چهره متمایز است :

۱- اهلیت دارا شدن حق، یا استعدادی که به موجب آن شخص از حقوق خصوصی بهره مند می شود و می تواند صاحب حق و تکلیف باشد. نویسندگان حقوق مدنی این اهلیت را اهلیت تمتع نامیده اند^۱ و نکته را بایستی یاد آور شد که اهلیت تمتع تنها برای دارا شدن حق به کار نمی رود؛ صلاحیت داشتن تکلیف و توانایی متعهد شدن نیز در آن مطرح است و بهتر بود که بجای واژه «تمتع» از واژه «تملک» استفاده می شد زیرا کلمه تمتع با تعهد و التزام کلی بیگانه است در حالی که «تملک»، اگر بمعنی دارا شدن بکار رود، می تواند درباره تعهد و تکلیف نیز مورد استفاده قرار گیرد.^۲

۲- اهلیت اجرای حق، یا صلاحیتی که شخص به حکم قانون درباره اعمال حق خویش می یابد. برای مثال، مالک می تواند برای گرفتن اجاره بهایا بیرون راندن غاصب طرح دعوی کند یا حق خود را انتقال دهد. این چهره اهلیت را «اهلیت استیفاء» نامیده اند. ولی این اصطلاح نیز نارسا و قابل انتقاد است. زیرا، کلمه استیفاء بطور معمول در مقام گرفتن کامل طلب یا حق یا بهره بردن از مال یا کار دیگری بکار می رود و مفاد آن گستره لازم برای بیان تمام چهره های «اجرا و اعمال حق» را ندارد. برای مثال، در جایی که پیمانی بسته می شود، نمی توان گفت هر یک از دو طرف حق پیمان بستن را استیفاء می کند. بنظر می رسد که «اهلیت تصرف» مناسب این وضع

۱- سید حسن امامی، حقوق مدنی، ج ۱، ص ۲۰۳، ج ۴، ص ۵۱، دکتر سید حسن صفایی، ج ۱، ص ۵۹.

۲- ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی، قواعد عمومی قرار دادها، جلد دوم، انتشارات شرکت سهامی انتشار، ص ۲.

حقوقی باشد و به ویژه، اگر در برابر «اهلیت تملک» بکار رود، بخوبی می تواند چهره دوگانه اهلیت را نشان دهد.^۱

قانون مدنی اهلیت تمتع را از اهلیت استیفاء جدا داشته و فواید عملی چندی را بر این تفکیک مترتب ساخته است. استادان حقوق نیز این تفکیک را پذیرفته اند.^۲ فایده ای که از تقسیم اهلیت در اشخاص حقیقی مد نظر بوده است؛ در درجه حجر و نوع حمایتی است که قانون بعهده می گیرد. در عدم اهلیت استیفاء در درجه اول حمایت از محجور مد نظر است تا به دلیل نقصان یا فقدان قوه تمیز و شعور مایملک خود را از کف ندهند.

محجور به علت نداشتن توان کافی فکری برای شناسایی روابط حقوقی و آثار اقدامات خویش نمی تواند در حد متعارف سود و زیان و مصلحت خود را تشخیص دهد و در نتیجه ممکن است اموال خویش را مورد تضییع قرار دهد. اما در مورد «اهلیت تمتع» منظور و هدف قانونگذار حمایت از جامعه و محدود ساختن اشخاص فاقد اهلیت است. بهمین جهت هم معامله در موارد عدم اهلیت تمتع همیشه باطل است و مصداقی برای عدم نفوذ وجود ندارد؛^۲ در حالیکه قانونگذار در موردی از عدم اهلیت استیفاء با توجه به وجود قصد در محجور و عدم رضای او، معاملات معوض را غیر نافذ اعلام کرده است و سرنوشت آن معاملات را بدست ولی او سپرده است. در خصوص اشخاص حقوقی از جمله شرکتهای تجاری وضع بگونه ای دیگر است. از آنجا که قانون تجارت به صراحت نامی از اهلیت تمتع و استیفاءی اشخاص حقوقی به میان نیاورده،

۱- ناصر کاتوزیان، پیشین، ص ۳.

۲- همان، ص ۴. سید حسن امامی، پیشین، ص ۵۱.

و به تبع آن نویسندگان حقوق تجارت نیز قایل به چنین تفکیکی از اهلیت در شرکتهای تجاری نیستند^۱، به نظر می رسد؛ اولاً ایجاد چنین تفکیکی از اهلیت در شرکتهای تجاری ضروری نیست. ثانیاً به فرض قبول چنین تفکیکی، فایده عملی بر این تفکیک - آنگونه که در اشخاص حقیقی مد نظر است - مترتب نیست. زیرا خصوصیات وجودی و ذاتی، اشخاص حقیقی با اشخاص حقوقی تفاوتهای اساسی و بنیادی دارد و اصولاً در مبحث اهلیت استیفای اشخاص حقیقی خصوصیات و صفاتی از انسانها مورد بحث واقع می شود که اشخاص حقوقی از جمله شرکت های تجاری ذاتاً فاقد آن هستند.

به عبارت دیگر، وجود اهلیت استیفاء دایر مدار وجود بلوغ، عقل و رشد است که به ترتیب نشانه و علایم کمال جسمی، روحی و اجتماعی است که ذاتی انسانها است و هیچ یک را نمی توان در شرکت های تجاری جست. بنابراین، بهتر است در شرکت های تجاری به جای واژه اهلیت، از واژه شخصیت استفاده شود.

مبحث اول: رابطه اهلیت با شخصیت

واژه شخصیت در رشته های مختلف علوم بکار رفته و در هر رشته ای معنای خاص خود را داشته است. شخصیت در علم حقوق عبارتست از وصف و شایستگی شخص برای اینکه بتواند طرف حق و تکلیف باشد بنابراین، «شخصیت» یکی از حالات و صفات شخص است که به موجب آن می تواند طرف حق و تکلیف واقع شود. با توجه به این تعریف باید اذعان نمود که اهلیت با شخصیت رابطه بسیار نزدیک دارد بگونه ای که می توان گفت: هر که اهلیت ندارد فاقد

^۱ . سید حسن امامی، پیشین، ۵۱. سید حسن صفایی، پیشین، ۵۹.

شخصیت نیز هست و رابطه منطقی بین اهلیت و شخصیت تساوی است؛ همانند طفلی که مرده بدنیا می آید یا شرکتی که عملیات تصفیه آن خاتمه یافته است و یا بردگانی که در صدر اسلام وجود داشته و فاقد اهلیت و شخصیت بوده اند. بدین ترتیب باید توجه داشت که اصطلاح عدم اهلیت را در صورتی باید به کار برد که ناتوانی شخص در انجام عمل حقوقی ناشی از وضع و شخصیت خود او باشد نه نتیجه وضع خاص اموال، برای مثال، اگر شخص نمی تواند مازاد بر ثلث اموال خود وصیت کند؛ مبنای ناتوانی او عدم اهلیت نیست بلکه به دلیل وضع ویژه ای که در این شخص و دیگران وجود دارد، قانونگذار اختیار تصرف را از او گرفته است.^۱

بنابراین، شخصیت به معنای صلاحیت و شایستگی داشتن حق و تکلیف است در قانون مدنی از این صلاحیت، در مورد اشخاص حقیقی، با عنوان اهلیت نام برده شده است ولی در مورد اشخاص حقوقی از واژه اهلیت برای بیان شایستگی داشتن این اشخاص برای داشتن حق و تکلیف استفاده نشده است. با وجود این بهتر است که برای شناسایی حقوق و تکالیف این افراد از واژه «اهلیت» استفاده کرد زیرا ماده ۵۸۸ قانون تجارت، اشخاص حقوقی را واجد تمام حقوق و تکالیفی دانسته که اشخاص حقیقی دارا میباشند.

مبحث دوم: رابطه اهلیت و اختیار

یکی از مفاهیمی که باید از اهلیت تمیز داده شود اختیار یا ولایت برمال است؛ که در مورد اشخاصی چون ولی، وصی، قیم و وکیل مطرح می شود. بعنوان مثال ولی کودک توانایی تصرف در اموال او را دارد لیکن توانایی او ناشی از اختیارات اوست نه اهلیت. اختیار، صلاحیت و

۱- همان، ص ۵.

توانایی نسبت به مال دیگری است در حالیکه اهلیت، صلاحیت و توانایی نسبت به مال خود است. منشاء و مبنای صلاحیت و توانایی نسبت به مال خود، داشتن اهلیت تمتع و استیفاء است پس اگر شخص فاقد حق و اهلیت تمتع باشد ولی به موجب قانون یا قرار داد اذن اداره امور دیگران و انجام دادن اعمال حقوقی به نام و حساب آنان را داشته باشد دارای اختیار است نه اهلیت!^۱

بنابراین، سلطه ای را که وکیل بر اموال، دارایی و حقوق مالی موکل و یا به طور کلی بر مورد وکالت پیدا می کند اختیار می گویند. و به همین ترتیب، سلطه ای را که ارکان شرکت به موجب حکم قانون بر اموال و دارایی شرکت و به طور کلی بر اداره شرکت بدست می آورند اختیار می نامیم، چرا که شرکای شرکت تجاری در مجامع عمومی شرکت و مدیران شرکت اموال خود را اداره نمی کنند تا به این اعتبار سلطه آنان را حق بدانیم، بلکه اموال شرکت تجاری را که یک شخص حقوقی است اداره می کنند. تفاوت دو اختیار مذکور در این است که اختیاری که وکیل پیدا می کند ناشی از عقد وکالت و محدود به مفاد آن است در حالیکه اختیارات ارکان شرکت مستقیماً ناشی از حکم قانون است. از آنجا که اداره شرکتهای سهامی اختیار است که قانونگذار به ارکان شرکت واگذار نموده است، رای دادن شریک در مجامع عمومی و مدیر در جلسات هیات مدیره را اختیار می دانیم، نه حق.^۲

تمیز بین اهلیت و اختیار تصرف، صرف نظر از اهمیت آن از نظر تعیین قانون حاکم بر آن در عرصه حقوق بین الملل خصوصی، از نظر حقوق داخلی، دارای دو فایده است. اول اینکه ضمانت اجرای عدم اختیار و خروج از اذن، عدم نفوذ معامله است در حالیکه نتیجه عدم اهلیت ممکن

۱- سید حسین صفایی و سید مرتضی قاسم زاده، حقوق مدنی اشخاص و مجبورین، ج ۳، تهران، سمت، ۱۳۷۷، ص ۱۵۶.

۲- محمد عیسی تفرشی، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکتهای تجاری، ج اول، تهران، ۱۳۷۸، ص ۱۰۱ و ۱۰۲.

است عدم نفوذ یا بطلان معامله باشد. دیگر اینکه اهلیت همیشه موافق اصل است (ماده ۹۵۶ قانون مدنی در خصوص اشخاص حقیقی و ماده ۵۸۸ قانون تجارت در خصوص اشخاص حقوقی) در حالیکه اختیار یا ولایت بر مال دیگری خلاف اصل و امری استثنایی است و فقط در جایی پذیرفته می شود که قانون یا قرارداد خاص وجود آن را اثبات نماید.^۱

بخش دوم: شرکت های تجاری دارای شخصیت حقوقی

از لحاظ حقوقی ، فقط شخص می تواند صاحب حق و تکلیف و به تعبیر دیگر طرف حق باشد و شخص یا طبیعی است یا حقوقی . شخص طبیعی که شخص حقیقی نیز نامیده می شود ، عبارت از فرد انسانی است . افراد انسان در دوران بردگی گاهی موضوع حق و در ردیف اشیاء بودند ، نه طرف حق ؛ ولی با لغو بردگی دیگر انسان موضوع واقع نمی شود ، بلکه همیشه طرف حق است و می تواند از حمایت قانونگذار و تصمیمات حمایتی قانونی که برای حفظ و احقاق افراد اتخاذ شده است ، برخوردار باشد . در حقیقت تنها شخص طبیعی انسان صاحب حق و تکلیف است و مقررات اجتماعی برای تنظیم روابط افراد بشر و حمایت از حقوق ایشان به وجود آمده است ، لیکن افراد به تنهایی نمی توانند زندگی کنند و احتیاج به همکاری و اشتراک مساعی دارند.^۲

افراد گاهی برای وصول به مقاصد انتفاعی یا غیر انتفاعی خود گروههایی تشکیل می دهند و سرمایه ها و فعالیت خود را در این گروهها متمرکز می کنند . قانون برای این گروهها که طبق

۱- ناصر کاتوزیان، پیشین ص ۶ و ۱۰.

۲-، سیدحسین، صفایی، اشخاص و اموال ، چاپ پنجم ، انتشارات سمت ، تابستان ۱۳۸۰ ، ص ۵